

The role and position of preventive institutions in juvenile delinquency with a crime prevention approach

Abstract

Prevention of juvenile delinquency is a very important issue that has been considered by both domestic legal systems and international authorities and documents. Therefore, it is necessary and necessary to involve criminal and non-governmental institutions to prevent preventive measures. To be paid. Active and non-criminal prevention, especially social prevention, are among the most important preventive measures in the field of juvenile delinquency. The question of the present study is which institutions can be considered as contributing to crime prevention and what role can governmental and non-governmental institutions play in applying a comprehensive approach? The present research is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of the type of research that was collected and analyzed using library resources. Crime prevention in the world today is seen as an activity that must comply with a series of specific laws and regulations. Lack of clear rules and regulations and uniform and coherent management in the field of crime prevention management in Iran has caused many problems. Lack of a comprehensive and inconsistent approach between governmental and non-governmental institutions in the field of crime prevention, as well as the lack of a clear legal framework for crime prevention problems in Iran. Various organizations to play a role in this field.

Keywords: crime prevention, NGOs, participation, prevention management, children and adolescents

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره هفتم،
مهر ۱۴۰۱، صص ۹۲۷-۹۱۶

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.316688.2681>

نقش و جایگاه نهاد های پیشگیرنده در بزهکاری اطفال و نوجوانان با رویکرد پیشگیری از جرم

پیمان غیوری نیا^۱

سیدعلی میرابراهیمی (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۰

محمدعلی قربانی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۳

چکیده

پیشگیری از بزهکاری اطفال مسئله بسیار مهمی است که امروزه هم مورد امعان نظر نظام های حقوق داخلی و هم مراجع و اسناد بین المللی واقع شده است. به همین دلیل لازم و ضروری است تا به مشارکت نهادهای پیشگیرنده از بزهکاری اعم از دولتی و غیردولتی در اعمال تدابیر پیشگیرانه پرداخته شود. پیش گیری کنشی و غیر کیفری خصوصا پیشگیری اجتماعی از مهمترین اقدامات پیشگیرانه در حوزه بزهکاری اطفال و نوجوانان هستند. پرسش پژوهش حاضر این است که کدام نهادها را می توان در پیشگیری از بزهکاری سهیم دانست و اینکه نهادهای دولتی و غیر دولتی در بکارگیری رویکرد همه جانبه چه نقشی می توانند ایفا کنند؟ پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع پژوهش توصیفی- تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه ای مطالب جمع آوری و تحلیل شدند. پیشگیری از جرم در جهان امروزه به عنوان فعالیتی نمود یافته که از یک سری قوانین و مقررات خاص باید تبعیت کند. نبود قوانین و مقررات روشن و مدیریت واحد و منسجم در زمینه مدیریت پیشگیری از جرم در ایران موجبات مشکلات عدیده ای شده است. تحقق نیافتن رویکرد جامع و ناهماهنگی در بین نهادهای دولتی و غیر دولتی در زمینه پیشگیری از بزهکاری، همچنین فقدان چارچوب قانونی مشخص از مشکلات پیشگیری از بزهکاری در ایران می باشند. زمانی می توانیم در امر پیشگیری از جرم فعالیت موفقیت آمیزی داشته باشیم که نهادها و سازمان های مختلفی در این عرصه ایفای نقش کنند.

کلمات کلیدی: پیشگیری از بزهکاری، نهادهای غیردولتی، مشارکت، مدیریت پیشگیری، اطفال و نوجوانان

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

peiman.sardasht@gmail.com

^۲ استادیار، گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

mirebali@yahoo.com

^۳ استادیار، گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

dr.ghorbani43@yahoo.com

امروزه در بیشتر کشورها رویکرد چندنهادی و مشارکت تمام اқشار جامعه در پیشگیری از جرم مورد توجه است. پیشگیری چندنهادی در مقایسه با مداخله تک نهادی از این فرض مقبول گرفته شده است که همه نهادها به نوبه خود در زنجیره وسیع پیشگیری از جرایم نقش دارند. در قانون پیشگیری از جرم مصوب ۱۳۹۴ نیز مشارکت همه قوا و دستگاه ها و نیز مشارکت مردم در امر پیش گیری پیش بینی شده است. رویکرد چند نهادی در پیشگیری از جرم به نحوی است که از یک طرف سازمان های دولتی و از طرفی دیگر فعالیت های سازمان های غیر دولتی را در کنار یکدیگر می طلبد (باوی، ۱۳۹۷، ۷۴). برخورداری از یک سیاست جنائی و کیفی متناسب با شرایط و وضعیت صغار و نوجوانان می تواند به جامعه مدنی جهت پیشبرد یکی از اهدافش که پیش گیری از وقوع جرائم در آینده است، کمک فراوانی کند. همه اساتید و کارشناسان حقوق جزا و جرم شناسی بر این امر اعتقاد دارند که پیشگیری از جرم و مدیریت آن مسأله ای نیست که سازمان ها و نهاد های دولتی بتوانند در این زمینه به تنهایی اقدام کنند بلکه در این میان وجود سازمانها و نهاد های غیر دولتی که بتوانند با شناخت دقیقی از مشکلات و موانع و همچنین نیازهای جامعه راه گشای پیشگیری و کاهش جرم و جنایت در جامعه باشند بسیار ضروری است.

قربانیان و هراتیان نژاد (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان نقش نهادها و سازمان های دولتی و غیردولتی در پیشگیری از وقوع جرم، نقش های کلانی که هر یک از نهادهای دولتی و غیر دولتی دارند را مورد بررسی قرار داده اند. (باوی، ۱۳۹۷، صص ۸۱-۸۲) صابر فرهودمند (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان نقش پلیس در پیشگیری از جرم با تاکید بر مشارکت مردم به این نتیجه رسیدند که پلیس می تواند شهروندان را در فرایند تصمیم گیری دخالت دهند و با تشکیل پلیس تخصصی کودکان و اتخاذ سیاست جنایی افتراقی با کودکان بزهکار و برقراری تعامل مناسب با نظام آموزش و پرورش از طریق تشکیل کارگاه های آموزشی به پیشگیری از بزهکاری کمک کند. جواد مهدی زاده بارانی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان نقش نهادها و سازمان های دینی و مذهبی در پیشگیری از وقوع جرم به این نتیجه رسیدند که نهادها و سازمان های دینی و مذهبی در کنترل اجتماعی، تقویت همبستگی اجتماعی تقویت سلامت و امنیت اجتماعی نقشدارند و کارکرد نهادهای دینی در این زمینه می تواند نهادینه کردن هنجارهای دینی و تقویت روحیه همکاری و احساس مسئولیت نسبت به خود و دیگران باشد که این امر موجب عدم گرایش به بزهکاری و نهایتاً پیشگیری از بزهکاری گردد. سیدسعید کشفی و علی اصانلو (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان نقش مددکاران اجتماعی در پیشگیری از بزهکاران اطفال و نوجوانان به این نتیجه رسیدند که نتایج حاصله از حضور مشاوران و مددکاران اجتماعی در پیشگیری ثانویه و تشکیل پرونده شخصیت و ارائه توصیه ها و پیشنهادات به مقام قضایی نقش مهمی در احیای حقوق کودکان و نوجوانان و پیشگیری از بزهکاری و بزهیدگی آنان خواهد داشت. محمود ازناوله (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان شیوه های عدالت ترمیمی در پیشگیری از جرائم در ایران به این نتیجه رسیدند که عدالت ترمیمی می تواند پیشگیری از بزهکاری را از جایگاه حاشیه ای اش در نظام عدالت کیفری به فرآیندهای اجرایی و اساسی نظام عدالت کیفری رهنمون سازد. همچنین می تواند انگیزش و نیازهای مشارکت گسترده اجتماعی در حوزه پیشگیری را جهت اجرا و حفاظت از منافع سازمانی آشکار سازد که این امر نیازمند این است که مشکلات ساختاری به طور سیستماتیک حذف گردد، مشارکت چندگانه و کثرت گرا در نشست ها، آن اندازه از توانایی

را می‌طلبد که بزهکاری را به عنوان یک پدیده چند بعدی مورد توجه قرار دهد. عدالت ترمیمی در مجموع روندی خلاق، پویا و مشارکتی و قرائتی اصیل از اصول عدالت کیفری ارائه می‌دهد که نوید بخش تولد رویکردی نوین در مسئله پیشگیری از بزهکاری به حساب می‌آید. اقبال محمدی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان عامل شناسی فرهنگی جرم و راه‌های پیشگیری از جرم به این نتیجه رسیدند که با داشتن برنامه فرهنگی جامع، مدیریت صحیح، تبادل فرهنگی، آموزش صحیح از دوران کودکی در آموزش و پرورش و بهره‌گیری از رسانه‌ها می‌توان راه‌های پیشگیری از بزهکاری را به طور تخصص و علمی مطرح نمود و از نهادهای فرهنگی جامعه در کنترل و کاهش بزهکاری از آن بهره‌گرفت.

در این مقاله با درک ضرورت و اهمیت موضوع، درصدد بررسی نقش و جایگاه نهاد‌های پیشگیرنده در بزهکاری اطفال و نوجوانان با رویکرد پیشگیری از جرم هستیم. لذا مساله اصلی تحقیق اینگونه بیان می‌شود: نهاد‌های پیشگیرنده در بزهکاری اطفال و نوجوانان چه میزان مهم هستند؟

روش شناسی تحقیق:

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای مطالب جمع‌آوری و تحلیل شدند.

یافته‌ها:

همیشه پیشگیری راحت‌تر و کم‌هزینه‌تر از درمان است و درباره بزهکاری هم اقدامات پیشگیرانه خصوصاً اقدامات غیر کیفری باصرفه‌تر از مقابله و برخورد با بزهکار و مجرم است، پس هر چه سریع‌تر این اقدامات پیشگیرانه جامعه عمل بپوشاند بزهکاران کمتر و در نهایت جامعه سالم‌تر و پویاتری خواهیم داشت. این مقاله با نشان دادن اقداماتی که نهادهای پیشگیرنده در زمینه پیشگیری از بزهکاری می‌توانند انجام دهند به مسئولان و دست‌اندرکاران امر پیشگیری کمک می‌کند تا بتوانند راهکارهای علمی و عملی در زمینه پیشگیری از بزهکاری در دست داشته باشند.

۱. نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از وقوع جرم

سازمان‌های غیردولتی مهم‌ترین نهاد مدنی و لازمه جامعه مدنی هستند و مشارکت‌های مردمی را می‌توانند سازماندهی و نهادینه کنند. در ایران سازمان‌های غیردولتی نوین که در زمینه پیشگیری از وقوع جرم فعال باشند، در ابتدای راه هستند؛ از زمان تدوین قانون برنامه سوم توسعه از سازمان‌های غیردولتی نام برده شده و تمام نقش‌های جامعه مدنی برای پیشگیری و جلوه مشارکت مدنی در پیشگیری از وقوع جرم را می‌توان برای سازمان‌های غیردولتی قائل شد. نقش سازمان‌های غیردولتی در آموزش و کارکرد آموزشی پیشگیری از وقوع جرم، کارکرد نظارتی و مقابله با پیشگیری از وقوع جرم توسط نهادهای غیردولتی می‌باشد. اشاره به فعالیت خودجوش سازمان‌های غیردولتی در حمایت از افراد در معرض آسیب نباید از نظرها دور بماند. سازمان‌های مردم‌نهاد به منظور بازپذیری اجتماعی بزهکاران باید فعال شوند تا از قابلیت نهادهای مردمی برای جلوگیری از تکرار مجدد جرم استفاده شود. پیشگیری در واقع بخشی از وظایف همه نهادهای محلی، دولتی و غیردولتی

است و به ویژه شوراهای متشکل از شهروندان در سطح محله ها می تواند نقش بزرگی در نظم بخشی به موضوع پیشگیری از جرم در سطوح فردی و جمعی داشته باشند.

در ایران می توان گفت پیشگیری از جرم در یک بستر فکری رسمی دولتی شکل گرفته و دولت و نهادهای زیر مجموعه آن خود را مسئول امر پیشگیری از جرم می دانند و در زمینه مشارکت مردمی در امر پیشگیری از جرم هیچ یک از سازمانها و ارگان های فعال در این زمینه برای مشارکت عمومی مردم و به ویژه سازمانهای دولتی و به طور کلی جامعه مدنی جایگاه و مسئولیتی که همکاری دو جانبه بین آنان را گسترش دهد را اختصاص نداده اند.

در زمینه پیشگیری از جرم دو نوع مشارکت وجود دارد:

- ۱- مشارکت خودجوش برای پیشگیری از جرم که همان حل و فصل مسائل ناشی از جرم ناشی از عرف ها و عادات و آداب و رسوم محلی و قومی باشد. (ریش سفیدها)
- ۲- مشارکت بطور سازمان یافته و قانونمند که بر اساس قوانین و مقررات مشخص می گردد و همکاری و تعامل افراد و سازمان ها و نهادهای غیر دولتی با نهادها و سازمان های دولتی به صرت قانونمند و دقیق مشخص گردیده است.

از آنچه در این زمینه می توان برداشت کرد مشارکت مردم و نهاد های غیر دولتی در ایران دارای مشکلاتی است که دست اندرکاران و مسئولین مرتبط با امر پیشگیری باید بدان توجه و اقبال بیشتری معطوف دارند تا مشکلات و مسائلی که مشارکت عموم مردم کشور ما را تحت الشعاع خود قرار می دهد را مرتفع و به آینده آن خوشبین بود. مشکلاتی که اکثر آنها از نبود مدیریتی واحد و منسجم که بصورت معقول و مدبرانه و با در نظر گرفتن تمام جوانب امر باعث دخیل شدن و مشارکت روز افزون نهاد های غیر دولتی و مردمی در امر پیشگیری می گردد.

۲. نقش پلیس محلی در پیشگیری از جرم

گشت های پلیس در چارچوب پیشگیری وضعی قرار میگیرد. متنوع کردن پیشگیری بیانگر این موضوع است که برای مقابله با بزهکاری علاوه بر واکنش های قضایی، نیازمند اعمال شیوه های جدید و به روز و مبتنی بر تحولات و پیشرفت های جهانی است. ظهور مفاهیم "پلیس اجتماع محور" یا "پلیس محلی" یا "پلیس محله" یا "پلیس شهرداری" یا "محلی کردن یا ناحیه ای کردن پلیس" یا "پلیس همجوار و همسایه" در قلمرو سیاست جنایی و پیشگیری از بزهکاری در همین چارچوب قرار میگیرد. نقش پلیس بطور سنتی فقط در چارچوب نظام کیفری تصور میشده و به طور کلی با واژه سرکوبی همراه بوده است. لیکن به موازات یافته های جرمشناختی در خصوص فواید پیشگیری پیش و اشکال جدیدی از وظیفه پلیس در جامعه در دهه هفتاد میلادی قرن گذشته مطرح گردید. پلیس در دولت مدرن نقش مضاعفی دارد. از یک سو تنها نیروی مشروع اجبارکننده است و از سوی دیگر خود از جمله سازمان های مدنی واسط محسوب میشود که در حد فاصل حکومت و شهروندان قرار میگیرد. بدین ترتیب سازمان پلیس همواره ناگزیر از برقراری تعادل میان تامین مقتدرانه نظم و امنیت اجتماعی و مشارکت مدنی است.

در حالی که در برخی از کشورها پلیس اطفال فقط برای کودکان بزهکار است اما در کشور ما رویکرد وسیع‌تری حاکم است و پلیس اطفال اختیارات بیشتری دارد. در لایحه پلیس اطفال اختیارات مناسبی برای پلیس در نظر گرفته شده است تا این نیرو بتواند اقدامات لازم را انجام دهد.

۳. نقش نهادهای مذهبی در پیشگیری از بزهکاری

نهادهای مذهبی چون مسجد، هیات‌های مذهبی و بنیادهای خیریه و همانند آن با تاثیر گذاری بر تفکر و نگرش و شخصیت افراد و اجتماعی کردن صحیح و دینی آنها سعی در تقویت روحیه خود کنترلی و پیشگیری از روی آوردن به هنجارشکنی‌ها و بزهکاری و جرایم دارند این نهادها با نقش‌هایی چون اسطوره سازی دینی؛ رایه گروه‌های مرجع سالم، امکان تعامل با دوستان بهنجار، معنا بخشی به زندگی، تقویت باور به حضور ناظر همیشگی اعمال یعنی خداوند، تاکید بر زندگی جاودان بعد از مرگ و تاثیر گذاری اعمال دنیوی در آن، ترویج ارزش‌های دینی، تاکید بر حلال بودن مال، اجتماعی کردن افراد، پر کردن سالم اوقات فراغت نوجوانان، هویت بخشی به جوانان، تخلیه اضطراب‌های روحی جوانان و تاثیر گذاری بر خانواده‌ها و مدارس برای تربیت صحیح در پیشگیری از بزهکاری کمک به سزایی می‌کند. همچنین برخی از این نهادها با حمایت از افراد فقیر و کمک مادی و معنوی به آنها، ایجاد اشتغال یا تامین جهیزیه و وام‌های قرض الحسنه و امثال آن اقدامات مفیدی در راستای پیشگیری از بزهکاری انجام می‌دهند. نهادهای مذهبی از طریق ترویج عبادات مانند نماز، ترویج اخلاق فاضله مانند عفو و ایثار عفت و حجاب، دوری از همنشینی با ناهلان و کسب علم و تذکر می‌توانند در نهادینه کردن هنجارهای دینی و نهایتاً پیشگیری از انحراف و بزهکاری نقش داشته باشند.

در ایران به دلیل رواج فرهنگ دینی سازمان‌هایی با ویژگیهای سازمان‌های مردم نهاد به نام‌های مختلفی چون دارالایتم یا خیریه‌ها و درمانگاه‌ها و مدارس و موقوفه‌ها فعالیت می‌کرده‌اند و در حال حاضر هم بسیاری از فعالیت‌ها و اقداماتی که سازمان‌های مردم نهاد انجام می‌دهند را به عهده دارند و با اقدامات خود مشارکت بسیار خوبی در پیشگیری از جرم و بزهکاری دارند.

نهادهای دینی و مذهبی به عنوان یکی از نهادهای بنیادی جامعه کارکردهای ویژه‌ای را انجام می‌دهند و با اقدامات متنوع و متعدد خود می‌توانند در این زمینه نقش مهم و بارزی ایفا نمایند. بر این اساس به اقداماتی که این نهادها می‌توانند انجام دهند و در پیشگیری از ارتکاب بزهکاری و جرایم دخیل هستند اشاره می‌شود.

۱- اسطوره سازی دینی ۲- اجتماعی کردن در پرتو دین ۳- مراقبت اجتماعی از افراد. ۴- معنابخشی به زندگی ۵- کمک به فقیران و محرومان ۶- ترویج ارزش‌های دینی (شایگان، ۱۳۹۵، ۹) ۷- پر کردن اوقات فراغت (پوتنام، ۱۳۸۰، ۶۹-۷۹)

در کل اگر افراد در هر رده سنی با نهادهای مذهبی ارتباط خوبی داشته باشند این نهادها با کارکردهای مختلف و متنوع خود نقش مهمی در پیش‌گیری از جرایم آن‌ها خواهند داشت البته جذب افراد خصوصاً نوجوانان به این نهادها و مشارکتشان در امور دینی خود نیازمند تجربه و مهارت خاصی است که باید این نهادها آن را کسب کنند و با بهره‌گیری از این ظرفیت بالای خود جامعه را به سمت تعالی و کاهش بزهکاری و جرایم یاری دهند. نظر به اینکه نهادهای دینی، باورهای دینی را با نظام‌های شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه مربوط می‌کند می‌تواند کارکردهای متعددی داشته باشد با این توصیف می‌توان گفت اهمیت و نقش نهادهای دینی و مذهبی از حیثه فردی فراتر رفته و ابعاد گوناگون زندگی انسان‌ها را در بر می‌گیرد. در نتیجه

این پدیده نه تنها در تکوین و پرورش شخصیت افراد و جامعه نقش دارد بلکه در تکامل زندگی و رسیدن به زندگی آرمانی و به دور از هر گونه انحراف عامل مهمی به شمار می رود که این امر موجب شده است دین و باورهای دینی که توسط نهادهای دینی ارائه می شود به عنوان بحث جدی در محافل آکادمیک جرم شناسی مورد بررسی قرار گیرد. (مهدی زاده بارانی، ۱۳۹۳)

۴. نقش مشاوران و مددکاران اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری

یکی از مشکلاتی که در روند دادرسی پرونده های اطفال و نوجوانان در کشورمان وجود دارد درک نکردن نقش و جایگاه مددکاران و مشاوران در امر پیشگیری است زیرا نحوه برخورد و رفتار با این گروه از کودکان بسیار فنی و روان شناختی است. نتایج حاصل در مورد نقش مددکاران و مشاوران در پیشگیری اولیه این است که برخورد آنان با کودکان متفوت از بزرگسالان است و می تواند مهمترین عامل در پیشگیری از وقوع جرم باشد و نتایج حاصل از عملکرد مشاوران و مددکاران اجتماعی در پیشگیری ثانویه و تشکیل پرونده شخصیت و ارائه توصیه های لازم به مقام قضایی نیز نقش مهمی در احیای حقوق کودکان و نوجوانان خواهد داشت، همچنین توجه به جایگاه و نقش مددکاران اجتماعی می تواند تاثیر بسزایی در عدالت ترمیمی داشته باشد که از نکات حائز اهمیت محسوب می شود. (کشفی، ۱۳۹۰، ۶۱)

اولین مساله در ارتباط با پیشگیری از بزهکاری این است که اگر همه سازمانها با هم همکاری نکنند امکان ندارد که توفیق مورد نظر حاصل شود به لحاظ علمی سه مرحله متفاوت می توان برای پیشگیری می توان در نظر گرفت، مرحله اول پیشگیری اولیه است که در آن کل جامعه دخیل هستند که شامل کلیه سیاست و طرح هایی است که جلوگیری از بروز جرم و عوامل زمینه ساز بروز جرم ارائه شده اند. در این حوزه، خانواده و مدارس و رسانه های گروهی ارکان بسیار مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرند در این مرحله همه مسئولند به خصوص نیروی پلیس و مشاوران و مددکاران اجتماعی که یکی از وظایف اصلی آنها به حساب می آید.

مشاوره و مددکاری تلاش شود تا کودک در همان محیطی باشد که لازم است و مورد مساعدت و حمایت های مقتضی واقع شوند و سعی کنند تا قبل از سرو کار داشتن اطفال و نوجوانان با دادگاه راه حل برای مشکل آنان پیدا کنند خوشبختانه امروز تمام نظام های دادرسی تلاش می کند تا تمهیداتی را اتخاذ کنند تا حد امکان کودک و نوجوان معارض قانون با دادگاه و قاضی مواجه نشود.

مددکاران و مشاوران می توانند در پیشگیری ثانویه هم نقش داشته باشند مهم ترین نقش خود را در این زمینه در اجرای عدالت ترمیمی به خصوص مواقعی که با کودکان و نوجوانان یا سایر دعاوی خانوادگی روبرو هستند می توانند ایفا کنند. بر اساس آمارهای معاونت اجتماعی ناجا، رقمی معادل ۵۸ درصد از پرونده های ارجاع شده به مراکز مشاوره و مددکاری به مصالحه منجر و مختومه شده است که نیمی از این مصالحه ها به امور خانوادگی مربوط می شد.

(حسامی، ۱۳۸۴، ۲۸۵) نقش مشاوران و مددکاران اجتماعی در مرحله رسیدگی و اجرای حکم می تواند دخالت در مرحله قانونی و استفاده از روشهایی مانند میانجیگری کیفری باشد. در قانون فعلی آیین دادرسی کیفری این اصول مهم از قضا زدایی به استناد عدالت ترمیمی مورد توجه قرار گرفته است.

۵. نقش عدالت ترمیمی در پیشگیری از بزهکاری

عدالت کیفری، مفهومی شناخته شده در ادبیات حقوقی جهان است. در عدالت کیفری سزا دهنده، به استحقاق بزهکار بر کیفر تاکید می شود. (شیری، ۱۳۸۵، ۲۱۴) در سال های اخیر، این سیستم با اصلاحات و حتی تحولات اساسی همراه بوده است، به طوری که عده ای از حقوق دانان و جرم شناسان تا آن جا پیش رفته اند که مدل های جدید از عدالت، از جمله عدالت ترمیمی، به عنوان جایگزینی از عدالت کیفری کلاسیک را پیشنهاد داده اند (مبارکی، ۱۳۹۵، ۹۵)

نباید انتظار داشت که با یک یا چند ابزاری که عدالت ترمیمی در دست دارد بتوان علل بزهکاری را از بین برد. البته نظریه عدالت ترمیمی نیز ادعا نمی کند که به طور کلی مسئله جرم را در جامعه حل کرده، از وقوع احتمالی آن در آینده به طور قطع جلوگیری میکند. (عباسی، ۱۳۸۳، ۲۷۹) فرضیه جان بریث ویت این است که پیش گیری از جرم باید به عنوان هدف مستقیم نشستها دنبال شود. زیرا معمولاً پیش گیری از جرم به عنوان نتیجه گف و گوهای ترمیمی دنبال نمی شود. به عقیده ایشان بهترین روش برای پیش گیری از جرم می تواند پیوند زدن آن به عدالت ترمیمی باشد (جان بریث ویت، ۱۳۸۵، ۲۸۵)

رویکرد جدید مقابله با بزهکاری اطفال و نوجوانان، رویکردی بر اساس قواعد و اصول حاکم بر عدالت ترمیمی می باشد که ارتباط خود را با رویکرد قدیمی به این بزهکاری مانند رویکرد تربیتی کیفری حفظ نموده است. به عبارتی چنین رویکردی تلفیقی بوده و تلاش دارد، در جوار پیش بینی تدابیر اجتماعی، فرهنگی به بزهکاری به اقدامات دو مدل تربیتی و جزایی رهیافتی ترمیمی ببخشد. در واقع راه حل های اجتماعی را پاسخ هایی نشأت گرفته از عدالت ترمیمی می توان دانست که با همکاری جامعه مدنی و با منظور آموزش های اجتماعی کودکان و نوجوانان بزهکار اجرا می شود. در شیوه عدالت ترمیمی، بزه به طور عام ویژه اطفال به طور خاص به عنوان خطایی اجتماعی تصور می شود تا اقدامی علیه امنیت و حکومت. لذا منظور اساسی این عدالت پیش بینی تدابیری است که به جبران ضرر و زیان های ناشی از این تخلف برای کودک یا نوجوان، اجتماع یا قربانی بزه منتهی شود. راه حل های ترمیمی- تربیتی تدابیری غیر جزایی می باشند که هدف اصلاح اخلاق نوجوان و ورود او به زندگی اجتماعی را تعقیب می کنند. آن چه حایز اهمیت است تربیت و پرورش شخصیت کودک یا نوجوان بر اساس اصول زندگی اجتماعی می باشند که این تدابیر در محیط باز جامعه به جای محیط های بسته قابلیت اجرایی دارند. لذا اضافه بر رشد و تکامل بعد اجتماعی شخصیت کودک و نوجوان محکم بودن ارتباط او با جامعه مورد توجه جدی قرار می گیرد. اتفاقاً همین خصیصه است که این تدابیر را از راه حل های صرفاً تربیتی که رویکرد اصلاحی بر آن ها حاکم است جدا می سازد. (ازناوله، ۱۳۹۴، ۱۱۴)

۶. نقش دستگاههای اجرایی و قضایی در پیشگیری از بزهکاری

خبرگان قانون اساسی، قانون گذار ایرانی و تدوین کنندگان مقررات فروتقنینی (بخش نامه ها و آیین نامه ها)، پیشگیری از بزهکاری را یکی از هدفها و وظایف شماری از نهادهای اجرایی و قضایی بر شمرده اند. این نهادها برای اجرای این هدف و انجام وظیفه در این خصوص، اقدامهای متعددی را انجام داده اند. قانونگذار ایرانی و نویسندگان شماری از مقررات فرو تقنینی، وظیفه پیشگیری از بزهکاری را به برخی از نهادهای رفاهی، آموزشی، انتظامی و مدیریتی-ستادی سپرده اند. خبرگان قانون اساسی نیز در سال ۱۳۵۸ شمسی، پیشگیری از بزهکاری را از رهگذر قسمت نخست بنده اصل ۱۵۶، در شمار وظایف قوه قضاییه قرار داده است. این قوه از آن هنگام تا امروز کوشیده است با تاسیس نهادهای پژوهشی و مدیریتی متعددی، زمینه های اجرای قسمت

نخست بند یاد شده را فراهم کند. شکی نیست که سپردن این وظیفه صرفاً به دستگاه قضایی، چاره یابی از سوی معلول به علت است. به بیان دیگر، دیگر نهادها و سازمان ها اعم از دولتی و غیر دولتی بایستی به این پدیده نگرشی ژرف داشته باشند و در کنار قوه قضاییه به اتخاذ تدابیر، برای پیشگیری از بزهکاری و وقوع جرم بیندیشند.

۷. راهکارهای فرهنگی پیشگیری از بزهکاری

پیشگیری فرهنگی یک جنبه منسجم و پر قدرت است و در زمینه های مختلف قادر به مبارزه علیه جرم و بزهکاری است و نمی توان آن را محدود به یکی از نگاه های فوق در مورد پیشگیری نمود راهکارهای فرهنگی پیشگیری از جرم را می توان به طور کلی در دو قسم در نظر گرفت که یک قسم آن برنامه های کلان و نیازمند مدت طولانی و برنامه ریزی های ساختاری است و قسم دیگر آن کوتاه مدت و با هزینه های زمانی و اقتصادی کم تر قابل اجرا می باشد.

پیشگیری فرهنگی نیازمند حذف یا تغییر عوامل فرهنگی جرم زاست، و از آن جا که فرهنگ سائق رفتارهای آدمی است بنابراین می توان چنین فرض کرد که تولید فرهنگ های سازنده می تواند فردی را مطابق نرم اجتماع تربیت کند. سبک زندگی به عنوان مهم ترین اهرم پیشگیری فرهنگی به شمار می رود. بررسی سبک زندگی در واقع بررسی فرهنگ جامعه است. از آن جا که در یک جامعه خرده فرهنگ های منحرف و ناسازگار و گاهی معارض با فرهنگ حاکم بر جامعه وجود دارند که ممکن است تهدیدی جدی برای ادامه حیات فرهنگی جامعه به حساب آیند. شناخت سبک زندگی می تواند وجود و میزان نفوذ خرده فرهنگ های منحرف را نشان دهد. بنابراین برای حفظ حیات فرهنگی جامعه، سبک زندگی ضرورت دارد. (مجلدی، ۱۳۸۹، ۴). تقریباً در اکثر تعریف های سبک زندگی می توان دو مفهوم را یافت که در واقع هر دو مفهوم به واژه "سبک" باز می گردد، اول مفهوم وحدت و جامعیت و دوم، مفهوم تمایز و تفارق. به این معنی که سبک زندگی حاکی از مجموعه عوامل و عناصری است که کم و بیش به طور نظام مند با هم ارتباط داشته و یک شاکله ی کلی فرهنگی و اجتماعی را پدید می آورند. همین پیوستگی، اتحاد و نظام مندی این کل را از کل های دیگر متمایز می کند، که در این راستا محققان ایرانی و اسلامی سبک زندگی را به دو سبک ایرانی و اسلامی و سبک زندگی غربی تقسیم می کنند (رحمت آبادی، ۱۳۸۵، ۲۳۵-۲۵۳).

پیشگیری فرهنگی در یک نوع دارای راهکارهای مربوط به خود فرد است و در نوع دیگر با ارائه ی راهکارهای اجتماعی از جرم پیشگیری می کند.

الگوی کنترل درونی: کنترل درونی را سازوکاری محسوب می دارند که فرد را از درون به انجام رفتار مورد انتظار ملزم سازد. همان طور که طرفداران نظریه ی فرهنگ به عنوان یک ارزش یا یک معنای ارزشی جایگاه این ساز و کار را در نظام کنترل اجتماعی موثر می دانند.

در واقع باید مطابق نظریه ی فرهنگ به عنوان جعبه ابزار، فرهنگ به عنوان ابزاری برای وی فراهم گردد تا رفتارهای وی را به سمتی غیر از کج روی ها و بزهکار سوق دهد.

-کنترل ماورای طبیعی: در این زمینه به بررسی نقش دین و باورهای فرهنگی دین در کنترل و پیشگیری از جرم و مهم ترین ابزار دینی یعنی امر به معروف و نهی از منکر پرداخته می شود. اندیشمندان علوم تجربی در هر حال خود را ناگزیر از بررسی آثار دین، به عنوان نوعی مکانیسم درونی دیده اند. باتوجه به نتایج پژوهشهای

مختلف در این زمینه می توان کارکردهای بیرونی این نوع کنترل را پذیرفتنی و واقعی محسوب داشت و آن را مکانیسمی دانست که رفتار افراد را به کمک پدیده های خاص تشویقی و تنبیهی ، کنترل می کند. ایجاد شبکه های دینی و فرهنگ های مذهبی و دینی ، سبک زندگی دینی منجر به کنترل و پیشگیری از بزهدکاری و جرم می شود و هر چند پیوند بین این اعضای این شبکه ها عمیق تر باشد، احتمال بروز بزهدکاری و جرم از ناحیه ی آنان کمتر است. (سلیمی، ۱۳۹۱، ۵۰۸)

راهکارهای فرهنگی اصلاح کننده:

—جامعه پذیری مجدد و بازسازی: این بحث در دل رشته جرم شناسی فرهنگی جای دارد و بازسازگار کردن مجرم به عنوان یکی از عامل های فرهنگی پیشگیری از بزهدکاری شناخته شده است. (باونکرک، ۱۳۸۵، ۹۷-۹۸۱)

نظریه های موجود در این زمینه راه حل عمده و درمان و توان بخشی بزهدکاران را تعلیم و تربیت دوباره این بزهدکاران می دانند و بر قراردادن آنان در برابر فرایندهای یادگیری و درونی سازی دوباره هنجارها و ارزش های اجتماعی تاکید می کنند و این جامعه پذیری مجدد امروزه جایگاه خود را به عنوان راهکاری مهم در مسیر بازگرداندن فرهنگی مجرمان و بزهدکاران به آغوش جامعه ، به رسمیت بخشیده است. هدف عمده سازمان های جامعه پذیری مجدد، ایجا تغییری اساسی در الگوهای رفتار و ارزش های فردی افراد است. (سلیمی، پیشین، ۵۲۳)

یکی از موارد راه حل های پیشگیری غیر کیفری از جرم با نگاه کیفری ، آسیب شناسی نظام فرهنگی جامعه است. (فرل، ۱۳۹۵؛ ۳۰۸)

با توجه به آن بتوان راه حل هایی برای پیشگیری ارائه داد. اهم آسیب های فرهنگی جامعهی ایران بدین شرح بیان شده است.

—فقدان مبانی نظری فرهنگی: برای توسعه فرهنگی کشور باید به چهارچوب های نظری متناسب با اکولوژی فرهنگی استناد کرد. نبود کانون فکری بومی و نهادهای منسجم سازمان یافته به عنوان کانون ها و اتاق های فکر در این زمینه در کشور محسوس است. (صالحی، ۱۳۹۲، ۸۹)

—مداخله ی حداکثری دولت در عرصه ی فرهنگی: در ایران به دلایل عدیده ای دولت متولی امر فرهنگ در کشور محسوب می شود و کلیه سیاست گذاری ها و برنامه های فرهنگی به دست دولت اعمال می شود، اما با توجه به سند چشم انداز بیست ساله به عنوان قاعده ی کلی برنامه های توسعه در کشور ، به ویژه عملیاتی کردن اصل ۴۴ قانون اساسی، باید تا حدود زیادی از حجم دولت کاسته شود و در این خصوص حوزه ی فرهنگ نیز از این قاعده مستثنی نیست.

—عدم توجه به گسترش نهادهای مدنی فرهنگی در کشور: از نظر کارشناسان حوزه ی فرهنگ، میان دو روش تولید فرهنگی از بالا و تولید فرهنگی از پایین، کارآمدترین روش ، تولید فرهنگی در متن جامعه است، اساسا دولت ها مجریان خوبی نیستند اما ناظران شایسته ای هستند. بنابراین، گسترش شکل های عمومی مدنی و فرهنگی در حوزه های مختلف یکی از عوامل مهم در توسعه ی فرهنگی است. موضوعی که طبق آمارها در ایران به خوبی رعایت نشده است.

—فقدان آموزش فرهنگی: مقوله ی تعلیم و تربیت در دنیای امروز مسئله ای تخصصی است. آموزش ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، صنعت فرهنگی، فناوری فرهنگی، رسانه های فرهنگی نیازمند آموزش های

تخصصی هستند. اما در ایران یکی از ضعف های عمده ی فرهنگی فقدان آموزش تخصصی فرهنگی لازم در سطوح مختلف است

حال بر اساس آسیب های فوق سیاست ها و راهبردهای زیر ارائه شده است:

- برنامه ریزی، سازمان دهی، رهبری، گسترش رسانه ها و مطبوعات، توجه به اوقات فراغت و فراهم نمودن امکانات، ایجاد تعاونی های فرهنگی و هنری، استفاده از رویکرد چند فرهنگ گرایی در سیاست گذاری برای تنوع فرهنگی.

چند فرهنگی گرایی رویکردی است سیاسی برای مدیریت تنوع اجتماعی در جوامع قومی است و بر احترام متقابل و تحمل تنوع فرهنگی تاکید دارد. (محمدی، ۱۳۹۲، ۹۱)

جمع بندی و نتیجه گیری :

چالش های مشارکت نهادهای پیشگیرنده در حوزه بزهکاری اطفال و نوجوانان: با بررسی و شناسایی چالش های مشارکت نهادهای پیشگیرنده در حوزه بزهکاری اطفال و نوجوانان با توجه به وظایف و تکالیف نهادهای مرتبط با پیشگیری از بزهکاری می توان به چالش های مهم دست یافت. زمانی پیشگیری از بزهکاری میسوز خواهد بود که چالش ها در مرحله اول شناسایی و به رسمیت شناخته شوند و در مرحله دوم توسط تمامی نهادها به کارگرفته شوند.

الف. چالش های مالی و اقتصادی : مهم ترین چالش و مانع سازمان های متولی پیشگیری از بزهکاری عدم وجود ردیف بودجه خاص در بودجه سالیانه برای امر پیشگیری می باشد. همین امر باعث شده است که پیشگیری از بزهکاری به دست فراموشی سپرده شود یا از اولویت نهادها و سازمان های مربوطه خارج شود.

ب. چالش قانونی: مانع دیگر در رابطه با جایگاه و نقش نهادهای پیشگیرنده از بزهکاری فقدان قانون جامع و شفاف در زمینه پیشگیری است که نحوه فعالیت های نهادهای دولتی و غیر دولتی و سهم هر کدام از نهادها را به صورت شفاف بیان کند ضمناً بایستی بر عملکرد این نهادها نظارت وجود داشته باشد تا نقش خود را به نحو احسن ایفا نمایند. بدیهی است همکاری نهادها در این زمینه می تواند به حل معضل بزهکاری یا حداقل کاهش آن کمک به سزایی داشته باشد.

ج. چالش های اجرایی: در خصوص چالش های اجرایی نخست باید گستره فعالیت نهادها اعم از دولتی و غیر دولتی مشخص شود ثانیاً شیوه همکاری و تعامل نهادها با همدیگر مشخص شود، این تشریک مساعی نه تنها در مرکز بلکه باید در واحدها و شعبات استانی و شهرستانی نیز وجود داشته باشد. قسمت مهم مانع اجرایی وجود نیروی انسانی متخصص و آموزش دیده در زمینه پیشگیری از بزهکاری می باشد که می توان از طریق برگزاری دوره های آموزشی تخصصی و فرهنگ سازی برای آنان به نحو احسن آن را ضابطه مند کرد. (زینالی، ۱۳۸۷، ص ۳۹)

پیشگیری از بزهکاری مستلزم تلاش تمام سازمان ها و نهادهای مرتبط در جامعه است. این نهادها می توانند در زمینه های مختلف فعالیت کرده و به پیشگیری از بزهکاری کمک کنند. در این مقاله به نهادهایی که می توانند در زمینه پیشگیری از جرم کمک کنند اشاره شد از جمله سازمان های مردم نهاد، پلیس محلی، نهادهای دینی، مشاوران و مددکاران اجتماعی، آموزه های عدالت ترمیمی، نهادهای فرهنگی نظیر آموزش و پرورش و رسانه ها که نقش بسیار مهمی در پیشگیری از بزهکاری دارد. نتیجه بدست آمده از پژوهش بیانگر این است که فرضیه های موجود در تحقیق مورد تایید واقع شدند. نتیجه اینکه پیشگیری کنشی و غیر کیفری توسط نهادهای پیشگیرنده از مهمترین اقدامات پیشگیرانه در حوزه بزهکاری اطفال و نوجوانان هستند.

تحقیق حاضر تحلیل جرم شناختی نقش و جایگاه نهادهای پیشگیرنده از بزهکاری اطفال و نوجوانان با هدف شناسایی راهکارهایی برای پیشگیری از بزهکاری یا حداقل تقلیل آن بوده است. نتایج نشان داد تلاش منسجم و سازمان دهی شده

در جهت رفع این مشکلات به معنای اتخاذ یک سیاست پیشگیرانه موثر می باشد. با بررسی نهادهای درگیر در امر پیشگیری می توان خلا اساسی در پیشگیری نهادمدار خصوصا نهادهای غیردولتی و پراکندگی و تشتت آراء در بکارگیری اقدامات پیشگیرانه را در کشور ایران احساس کرد. از طرف دیگر عدم وجود یک قانون جامع در این زمینه که راهنمای نهادها اعم از دولتی و غیر دولتی در زمینه پیشگیری باشد بر مشکلات در این حوزه افزوده شده است. از آنچه در این زمینه می توان برداشت کرد مشارکت مردم و نهاد های غیر دولتی در ایران دارای مشکلاتی است که دست اندرکاران و مسئولین مرتبط با امر پیشگیری باید بدان توجه و اقبال بیشتری معطوف دارند تا مشکلات و مسائلی که مشارکت عموم مردم کشور ما را تحت الشعاع خود قرار می دهد را مرتفع و به آینده آن خوشبین بود. مشکلاتی که اکثر آنها از نبود مدیریتی واحد و منسجم که بصورت معقول و مدبرانه و با در نظر گرفتن تمام جوانب امر باعث دخیل شدن و مشارکت روز افزون نهاد های غیر دولتی و مردمی در امر پیشگیری می گردد.

پیشنهادات

- نبود مدیریت و سازمان واحد و منسجم که بین نهادهای مردمی و دولتی را با یکدیگر منسجم و هماهنگ کند به نظر می رسد بزرگترین مشکل در این میان می باشد که در این بین ایجاد یک مدیریت منسجم و خبره که بتواند بین بخش های مختلفی که به نوعی درگیر با این امر پیشگیری می باشند وحدت و همدلی و مشارکت را ایجاد نماید.

- عدم وجود زمینه های مشارکت مردمی که سبب تضعیف مشارکت گردیده است. ایجاد زمینه های مناسب در یک بستر و چارچوب عاقلانه و مدبرانه که آن هم از وظایف مدیریت منسجم می باشد، ما را در این راه یاری خواهد رساند.

- مطالعه و برنامه ریزی باید بر اساس ویژگی ها و خصوصیات آن منطقه طراحی گردد. ویژگی هایی که به نظر مولف توجه به سنن و عرف و آداب آن منطقه است. در برخی منطبق از جمله استان هایی نظیر آذربایجان، کردستان و لرستان هنوز احترام به افراد مسن و به اصطلاح ریش سفید پا برجاست تا جایی که بر همین اساس برخی اختلافات و برخی از مشکلاتی که منجر به وقوع جرم در آینده می شود با پا در میانی همین افراد حل و فصل می گردد.

- تدوین یک قانون جامع و مانع و تعریف وظایف و تشکیلات سازمان ها و نهادهای متولی پیشگیری از بزبهارکاری

- نظارت جدی و مستمر بر فعالیت های نهادها و سازمان ها در سطوح مختلف استان، شهرستان و مناطق و هماهنگ کردن آنها

منابع:

- ازناوله، محمود (۱۳۹۴) شیوه های عدالت ترمیمی در پیشگیری از جرائم در ایران، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- باوی، علیرضا، (۱۳۹۷) چالش های پیشگیری از جرم از طریق مشارکت نهادهای دولتی، فصلنامه رهیافت پیشگیری، ۱(۴)، ۷۳-۸۸.
- پوتنام، روبرت (۱۳۹۲) دموکراسی و سنت های مدنی، مترجم محمد تقی دلفروز، نشر جامعه شناسان، چاپ اول، تهران.
- جان بریث ویت (۱۳۸۵) پیوند دادن پیشگیری از جرم به عدالت ترمیمی، مترجم علی شریف زاده، مجله حقوقی دادگستری، ۴۸ و ۴۹ (۱۳) ۲۸۵.
- حسامی، سمیه (۱۳۸۴) حمایت از زنان بزه دیده خشونت خانوادگی در تحقیقات پلیسی، مجله حقوق دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳ (۱۴) ۲۸۵.
- رحمت آبادی، الهام و آقابخشی، حبیب (۱۳۸۵)، سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، ۲۰(۵) ۲۳۵-۲۵۳.

- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۹۱) جامعه شناسی کجروی، مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی، کتاب اول، چاپ پنجم، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شایگان، فریبا (۱۳۹۵) فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، نقش سازمان های مردم نهاد در پیشگیری اجتماعی از جرم، شماره ۳۹ (۱۱) ۹.
- شبیری، عباس (۱۳۸۵) پارادایم های عدالت کیفری، عدالت سزادهنده و عدالت ترمیمی؛ مجله ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۴ (۴۰) ۲۱۴-۲۱۷.
- صالحی امیری (۱۳۹۲) سید رضا، آسیب شناسی فرهنگی در ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس.
- عباسی، مصطفی (۱۳۸۳) افق های نوین عدالت ترمیمی میانجیگری کیفری، انتشارات دانشور، چاپ اول.
- غلامی، حسین (۱۳۹۳) عدالت ترمیمی، انتشارات سمت، چاپ پنجم.
- فرهود مند، صابر (۱۳۹۲) پایان نامه کارشناسی ارشد نقش پلیس در پیشگیری از جرم با تاکید بر مشارکت مردم، دانشگاه پیام نور مرکز کرج.
- قربانیان، حسین، هراتیان نژادی، مجید (۱۳۹۰) نقش نهادها و سازمان های دولتی و غیر دولتی در پیشگیری از وقوع جرم، مجله کانون، شماره ۱۱ (۵۳) ۱۸۹.
- کشفی، سید سعید، اصانلو، علی (۱۳۹۰) نقش مددکاران اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان، مجله پلیس زن، ۱۴ (۵) ۶۱.
- مبارکی، لیلا (۱۳۹۵) تحلیل جرم شناختی هزینه های جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- مجیدی، علی اکبر (۱۳۸۹) بررسی سبک زندگی نوجوانان (۱۵ تا ۲۹) ساکن شهر مشهد، پایان نامه ی دکتری تخصصی رشته ی علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- محمدی، اقبال (۱۳۹۲) عامل شناسی فرهنگی جرم و راه های پیشگیری از آن، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- مهدی زاده بارانی (۱۳۹۳) جواد، نقش نهادها و سازمان های دینی در پیشگیری از وقوع جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه حقوق و معارف اسلامی جامعه مصطفی العالمیه.
- نیازپور، امیر حسن (۱۳۸۳) حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹ (۱۴) ۱۸۲.
- Basic Principle on the Use Restorative justice programs in criminal matters, The Economic and social council, General Assembly Resoluthion (۲۰۰۲).
- Bovenkerk, Frank and Yesilgoz, Yucel (۲۰۰۴), crime, ethnicity and the multicultural Administrathion of justice, Edited by jeff Ferrell, Keith.
- Ferrell, Jeff and Sanders, C.R. (۱۹۹۵), Cultural Criminology, Boston, Northeast University Press.